

انتظار عرصه عمل و عدالت خواهی، نه خواب و رؤیا

خبرگزاری مهر به مناسبت تقارن ایام نیمه شعبان و رحلت امام خمینی(ره) گفتگویی با حجت الاسلام مجتبی نامخواه، دکتری دانش اجتماعی مسلمین از دانشگاه باقرالعلوم(ع) پیرامون موضوع انتظار در اندیشه امام خمینی(ره) و تفاوت انتظار در نگاه ایشان با سایرین انجام داده است که از نظر می گذرد؛

«مقوله انتظار در اندیشه امام خمینی (ره) چه جایگاهی دارد؟»

موضوع انتظار فرج به عنوان بخش مهمی از ذخیره معرفتی اسلام و چارچوب کلان آینده‌شناسی در فرهنگ اسلامی، از مبادی مهم مکتب امام خمینی و مورد توجه ایشان است. اما امام(ره) در این توجه، معنای خاصی از انتظار را مورد توجه قرار می دهند.

امام خمینی یک تئوری جامع در باب انتظار دارند. در این تئوری بازسازی ادبیات نظری انتظار، جنبه های آسیب‌شناختی و نقد باورهای رایج و متداول و هم بازتولید یک درگیری فراگیر معرفتی و عملی با جریان های اجتماعی مروج معنای منفی انتظار وجود دارد و از همه مهم تر در یک سطح حکمی، ترسیم یک خط و دکترین عینی برای منتظر بودن که در سطح عملی هم دلالت عینی اش به وجود می آید.

در سطح حکمی تئوری انتظار امام (ره) در دو شاخه حکمت نظری و عملی قابل باز شناسی است. در حکمت نظری امام خمینی کوشیده اند با استفاده از ذخیره معرفتی عرفان اسلامی در وجهی نظام مند مفهوم ولایت انسان کامل را تشریح کنند؛ اثر ارزشمند «مصباح الهدایه الی الخلافه و الولایه» از این منظر قابل بازخوانی است.

در سطح حکمت عملی هم امام خمینی بر خلاف رویه های موجود آن هنگام و البته اکنون، فراتر از ابعاد فردی و در حوزه «تهذیب اخلاق»، در سطوح اجتماعی حکمت عملی هم «انتظار» را به مثابه یک بنیاد نظری مهم در ساحت دانش اجتماعی و «سیاست مدن» مطرح می کنند.

«مرزهای درگیری تئوری انتظار امام خمینی با دیگران در کجاست؟»

اگر بخواهیم سطح حکمت عملی تئوری انتظار امام خمینی را به صورت خلاصه بیان کنیم، می‌توانیم از تعبیر «انتظار از جنس ظهور» استفاده کنیم. «انتظار از جنس ظهور» یعنی برای منتظر بودن باید کاری انجام داد. انتظار یک «عمل» و البته «أفضل الأعمال» است.

در این جا یک تمایز مهم امام خمینی با تنزه طلب‌ها روشن می‌شود؛ اما مسئله مهم این جا است که درگیری تئوری امام خمینی فقط بر سر «عمل - بی‌عملی» نیست. این مسئله در تئوری انتظار امام خمینی خیلی پر رنگ است؛ اما تمام «مسئله» نیست.

*در تئوری انتظار امام خمینی (ره) مسئله اصلی کجاست؟

سطح مهم‌تر بحث، بحث بر سر چگونگی این عمل است. چه سنخ عملی و با چه جهت‌گیری‌ای؟ تقریباً مشخص است که سنخ عمل مورد نظر امام(ره) یک «کنش اجتماعی» است؛ نه یک رفتار صرفاً قلبی یا درونی.

اما ماجرا به این جا هم ختم نمی‌شود. مسئله این جا است که امام خمینی میان عمل جمعی و عمل اجتماعی تفاوت قائل می‌شوند. «عمل جمعی» مثل اینکه برخی به تعبیر امام خمینی «در مسجد، در حسینیه، در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان - سلام الله - را از خدا بخواهند»؛ باید دقت داشت این جماعت با «دسته‌ای که می‌گفتند که خوب، باید عالم پر [از] معصیت بشود تا حضرت بیاید» متفاوت است.

*این درگیری تئوریک همان درگیری ایشان با انجمن حجتیه است؟

مرزهای درگیری تئوری انتظار فقط با حجتیه نیست؛ همچنان که در نظر امام، حجتیه فقط یک تشکیلات هم نیست. درگیری فراتر از این حرف‌هاست. امام(ره) به صراحت از دسته دیگری نام می‌برند که به نوعی اهل عمل اجتماعی است، به تعبیر امام(ره) بر خلاف «ساده‌لوحان» و «منحرفان» که میان گناه و ظهور ربط «استی» یا حتی «بایستی» برقرار می‌کردند؛ این جماعت دیگر «مردم صالحی هستند» که امام(ره) در موردشان می‌فرماید «این‌ها به تکالیف شرعی خودشان هم عمل می‌کردند و نهی از منکر هم می‌کردند و امر به معروف هم می‌کردند، لکن همین، غیر از این کار دیگری ازشان نمی‌آمد و فکر این مهم که یک کاری بکنند نبودند.»

دقت کنید که درگیری امام بر سر «عمل فردی - جمعی» نیست؛ چرا که ایشان حتی مراسمات و مناسک جمعی و حتی امر به معروف و نهی از منکر را هم کافی نمی‌دانند. در واقع درگیری‌شان در موضوع انتظار فقط با «ساده‌لوحان» و «منحرفان» نیست؛ با «صالحان» هم هست. درگیری بر سر «عمل جمعی - عمل اجتماعی» است.

امروز تصویر نابی که امام (ره) از انتظار مطرح کردند؛ از طریق همین گروه اخیر یعنی صالح‌ها در معرض تهدیدها و تحدیدهای خطرناکی است. اینکه تبلیغ می‌شود امر به معروف و نهی از منکرهای متداول و یامناسک، جشن‌ها و مراسم‌های دعا با حضور جمعیت‌های گسترده یک کنش منتظرانه است، از اعواجاجات فکری همین دسته است.

امام خمینی در آخرین سخنرانی‌هاشان محور مهمی در جبهه معارضه با تحجر و مقدس مآبی می‌گشاید؛ اما متأسفانه امروز در عرصه میدانی این درگیری معرفتی، تفکر عوام‌گرایانه در باب انتظار گام به گام جلو آمده و از تریبون‌های رسمی و نیمه رسمی هم به شدت ترویج می‌شود.

❖ فرمودید حجتیه علاوه بر تشکیلات یک تفکر هم می‌باشد، آیا این فکر می‌تواند به اندیشه و رفتار افراد معتقد به انقلاب هم وارد شود؟

برخی فکر می‌کنند حجتیه یک حزب سیاسی ضد انقلاب است که فقط کسانی عضو آن هستند که در آن ثبت نام کنند و در جلساتشان شرکت کنند. فکر می‌کنند اگر کسی عاشق امام بود، به انقلاب علاقه داشت؛ دیگر حجتیه ای نیست. اگر صحیفه امام را بخوانید می‌بینید امام در مورد مجتهدان منصوب خودشان در شورای نگهبان، که طبعاً در نزدیکی و علاقه‌شان به امام و انقلاب حرفی نیست هم نگران‌اند. نگرانند که به یک بار چشم‌ها و نکنند ببینند حجتیه‌ای‌ها همه چیزشان را برده‌اند.

ما خیال می‌کنیم چون تند حرف می‌زنیم؛ چون پرخاش می‌کنیم، پس انقلابی هستیم. اما امام (ره) به ما این هشدار جدی را می‌دهند که زنه‌ار که این رفتارها و پرخاش‌ها نه به واسطه انقلابی‌گری، که از روی «حجتیه‌ای‌شدن» و اخلاق حجتیه‌مآبانه باشد.

❖ تعریف انتظار در تئوری و مکتب امام خمینی (ره) که در مقابل دیدگاه‌های متعارض دیگر مطرح می‌شود چیست؟

مکتب امام و انقلاب در برابر برداشت «ساده‌لوحانه و عوامانه»؛ در برابر برداشت «منحرفانه و جاهلانه» و حتی در برابر برداشت صالحانی که به اصلاح دیگری هم می‌پرداختند، استدلال دیگری دارد؛ خلاصه این انتظار «انتظار از جنس ظهور» است. ماهیت ظهور هم یک انقلاب جهانی و عدالت‌خواهانه است.

«یملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت عدلاً و جوراً». گستره همه سیاره زمین است؛ یک انقلاب جهانی است و مسئله اصلی هم در آن عدالت است. ما نمی‌گوییم مثلاً «یملأ الأرض دیناً»؛ بعد از فهم دقیق از ظهور نوبت طراحی عمل متناسب با آن است. اگر قرار است امام زمان (عج) «امام» باشد پس «کنش منتظرانه» باید از جنس واقعه ظهور باشد؛ که «انقلاب جهانی برای عدالت» نیست. البته توان ما که انقلاب جهانی و برپایی عدالت نیست اما هر کس در حد توان خود می‌تواند انقلابی، جهان‌نگر و عدالت‌خواه باشد.

✽ از منظر امام خمینی چه نسبتی میان ظهور و انقلاب اسلامی وجود دارد؟

امام خمینی انقلاب اسلامی را مقدمه و گامی مهم در راه ظهور می‌دانند اما این استدلال و باور ایشان بر اساس منطقی است که عرض شد؛ بر اساس ایده «انتظار از جنس ظهور» است نه بر اساس تطبیق‌های حجتیه‌ای مآبانه‌ای که فقط به درد ساختن مستند «ظهور نزدیک است» می‌خورد. اهالی نواخبری‌گری فکر می‌کنند هنر کرده‌اند یک روایت‌هایی پیدا کرده‌اند و بر «انقلاب اسلامی» تطبیق داده‌اند.

فکر می‌کنند امام بلد نبود از این روایت‌ها برای مردم بخوانند؛ امام بلد نبود با خواب‌ها و تا «فلانی زنده است ظهور اتفاق می‌افتد» و این طور حرف‌ها درباره ظهور قصه بسازد و اسمش را بگذارد متوجه کردن دل‌ها و محبت‌ها به امام زمان (عج). غافل از این که این حرف‌ها یک فلسفه روشن و عقلانی و فراگیر و یک منطق کنش عملی و اجتماعی به دست نمی‌دهد؛ حداکثر به درد برانگیختن احساسات و همان «ظهور نزدیک است» می‌خورد.

واقعیت تلخ این است که محصول نهایی و نظام فکری‌ای که بسیاری از علاقه‌مندان به انقلاب درباره انتظار ساخته‌اند، در نهایت به درد همان «ظهور نزدیک است» می‌خورد. از هزار حرف منتظرانه‌شان، یک عمل عدالت‌خواهانه بر نمی‌خیزد. اصلاً اگر گاهی مجموعه صحبت‌هاشان را تحلیل محتوا کنیم، یک کلمه «عدالت» در آن پیدا نمی‌شود، اما وجب وجب حرف‌های به اصطلاح محبت‌آمیز می‌زنند. من اصلاً اشاره به فرد و یا افراد خاصی ندارم. من با خودم، با خودمان کار دارم.

واقعیت این است که خیلی از ما قلباً امام و انقلاب را دوست داریم اما در عمل، مثلاً در انتظارمان کاملاً حجتیه ای عمل می‌کنیم. فرصت نیمه شعبان هر سال موقعیت مناسبی است برای رصد این مسئله. چه بسیار جشن‌ها و مناسک هزاران هزار نفرهای که از اول تا آخر منبر و مداحی و تواشیح و شعر و سرود و جزوه و نشریه و ایستگاه صلواتی‌اش، حتی یک کلمه هم از ماده «ع د ل» پیدا نمی‌شود. پایگاه بسیج است اما به سبک حجتیه مراسم می‌گیرد.

*بین روز میلاد امام زمان (عج) و نامگذاری این روز به عنوان روز جهانی مستضعفین چه تناسبی وجود دارد؟

رهبر انقلاب می‌فرماید «امام حقایق فراموش شده اسلام را احیا کرد؛ عدالت‌خواهی اسلام را سر دست بلند کرد». یکی از جاهایی که امام خمینی این کار را کردند، عدالت‌خواهی را احیا کردند همین ساحت انتظار است. مسئله انتظار چیست؟ امام زمان (عج) به علی بن مهزیار که از دوری و فراق گله می‌کنند، با صراحت می‌رmaid: «نه»؛ این طور نیست که ما از شما دور باشیم، مسئله نظام اجتماعی شماست. «لا؛ و لکنکم کثرتُ الأموال و تحیرتُم علی ضِعفاء المؤمنین و قطعتم الرِّحم الذی بینکم فأی عذر لکم؟» شما روی به تکاثر و سرمایه‌داری آورده‌اید، مستضعفان شما حیران و سرگردان‌اند، دیگر چه عذری برای شما باقی می‌ماند؟ مسئله مستضعفین در متن و بطن انتظار است. اما برای ما قصه را معکوس روایت می‌کردند. مثلاً در همین قصه دیدار علی بن مهزیار ببینید. ماجرا را طوری روایت می‌کردند که این مفهوم در حاشیه باشد.

امام (ره) به ما یاد داد روز میلاد امام زمان (عج)، «روز جهانی مستضعفین» است. یعنی انتظار را برگرداند به همان معنای اصلی و اصیل خودش. به همان معنای مورد نظر امام زمان (عج). اما متأسفانه بعد آمدند حرف‌هایی زدند که بازی را برگرداندند به همان جای اول. به اینکه انتظار یک بازی باشد.

واقعاً جا دارد از خودمان بپرسیم اگر روز جهانی امام زمان (عج) روز جهانی مستضعفین نبود، اگر امام زمان نمی‌آمدند که یک انقلاب جهانی و عدالت‌خوانه برپا کنند، اگر امام زمان (عج) با صراحت و اعتراض به علی بن مهزیار آن جمله را نمی‌فرمودند، در جشن‌ها و مراسمات و منبرهای ما چه تغییر روی می‌داند؟ چرا مفهوم انتظار صریحاً مطرح نمی‌شود؟ یا اجازه بدهید بگویم قلب و تحریف می‌شود.

متأسفانه گاهی احساس می‌شود این انحراف معرفتی و «کیفی»، پشت انبوهی از کارهای «کمی»، پشت انبوهی از مراکز و همایش‌ها و نشریه‌ها و ورشته‌ها و کنفرانس‌ها و پژوهش‌ها مخفی می‌شود. در حالی که فلسفه وجود این

قیبل پژوهش‌ها قاعداً تصحیح این آسیب‌ها است. حالا بحث ما آسیب‌شناسی این قبیل اقدامات فرهیختگانی و نخبگانی نیست، این بحث دیگری است و فعلاً بحث ما آسیب‌های مطرح در فرهنگ عمومی است.

*به چه میزان نظریه انتظار امام خمینی مبنای فرهنگ‌سازی‌ها در این زمینه قرار گرفته است؟

واقعیت آن است که هشدارهای امام خمینی درباره مبارزه با تحجر و آسیب جدی «تحجر زدگی» جدی گرفته نشد. هشدار امام خمینی (ره) نسبت به امکان سرایت تحجر از افکار چندلایه اهل جمود جدی گرفته نشد. برخی گمان کردند مبارزه با تحجر یک شعار انتخاباتی است؛ آن را در راه رسیدن حزبشان به کرسی‌های مجلس «مصرف» کردند! برخی دیگر هم برخلاف هشدار امام که می‌فرمود پرونده متحجران باز است، پرونده بحث از تحجر را بستند و دیگر حرفی از ستیز با تحجر و لایه‌های آن نزدند؛ به دیگران هم توصیه کردند در این باره حرفی نزنید. این است که حتی ادبیات و دغدغه‌های امام در این زمینه بازخوانی نشد چه رسد به اینکه به عرصه کتاب و تئوری و مباحثه و مقاله جدی راه یابد.

حالا این ماییم و حاصل این وضع کنونی. بعد برخی می‌گویند یک‌دفعه فلان جریان انحرافی شیعه و فلان پروژه انگلیسی از کجا پیدا شد؟ بستر ظهور چنین جریان‌هایی همین پروسه‌های موجود و زیر ساخت فکری متحجرانه است. در این بازی و نمایشی که دربرآیند مناسک ما از انتظار اجرا می‌شود، معلوم است امام خمینی نقش اول و قهرمان ساحت انتظار نیست. در این گفتمان از انتظار، چهره اصلی که از آن بحث می‌شود و به آن ارجاع داده می‌شود معلوم است که امام خمینی نیست، بلکه فلان کسی است که در فلان خواب و رؤیا با امام زمان (عج) دیدار کرد.

درحالی‌که اما این خمینی کبیر بود که ما را از خواب بیدار کرد؛ به ما یاد داد ساحت انتظار عرصه عمل است، نه خواب و رؤیا. به ما یاد داد می‌توان بدون نقل و ادعای حتی یک خواب و رؤیای تشرف، بزرگ‌ترین انقلاب و عمل منتظرانه را داشت.

متأسفانه ما برای خودمان هیچ الزامی نمی‌بینیم نگاهمان به انتظار را بر اساس خطوط کلی دیدگاه امام (ره) بازخوانی و بازسازی کنیم، این است که یک‌بار چشم‌ها می‌کنیم و می‌بینیم کلی کار پُر حجم می‌کنیم، به اسم امام زمان (عج) انجام داده‌ایم؛ اما در چارچوب اسلام حجتیه‌ای. من فکر می‌کنم قضاوت امام زمان (عج) در مورد همه این کارها روشن است؛ این کارها که از بیست‌بار پیاده به حج رفتن سخت‌تر نیست؛ پاسخ حضرت یک کلمه است. حرف بقیه‌الله‌الاعظم (روحی فداه) یکی است. یک کلمه دو حرفی؛ همان «لا» یی که به علی بن مهزیار فرمودند.